

# به یاد معلمان فداکار

## آنها دانشآموزان را نجات دادند و خودشان جان باختند

### گروه حادثه

طی چند دهه گذشته مدارس زیادی در سراسر کشور به دلیل کمبود امکانات دچار آتشسوزی شدند و در این میان معلمان بودند که با فداکاری به دل آتش زدند و دانشآموزان را نجات دادند. «اعتماد» در این گزارش به برخی از این معلمان اشاره میکند.

روز جمعه 8 فروردین ماه جاری، خبری مبنی بر فوت «حسن امیدزاده» معلمی که سال 1376 برای نجات 30 دانشآموز گرفتار در آتشسوزی مدرسه بیجار سرشفت خود را در شعله‌های آتش انداخت، منتشر شد. بر همین اساس خبرنگار «اعتماد» طی تماسی که با «محمد امیدزاده» پسر این معلم برقرار میکند، مشخص میشود این خبر صحت ندارد و حسن امیدزاده 21 تیر ماه 1391 در 58 سالگی در بیمارستان امام حسن مجتبی واقع در شهرستان فومن به خاطر درد ناشی از سوختگی جانش را از دست میدهد. پسر او در واکنش به این خبر به «اعتماد» می‌گوید: «نمی‌دانم این خبرها را بر چه اساسی منتشر میکنند! پدرم سال 1391 پس از تحمل 15 سال درد و رنج ناشی از سوختگی فوت شد.»

او در مورد روز آتشسوزی مدرسه شفت به «اعتماد» می‌گوید: «پدرم مسوولیت‌پذیر بود و به دانشآموزان و شغلش علاقه داشت. من هم در همان مدرسه‌ای درس می‌خواندم که پدرم معلم بود. روز حادثه بخاری نفتی یکی از کلاسها آتش گرفت. معلمان در دفتر مدرسه مشغول استراحت بودند که ناگهان صدای جیغ و فریاد دانشآموزان بلند شد. پدرم سریع خودش را به آن کلاس رساند و تکتک دانشآموزان را نجات داد، اما خودش در آتش گرفتار شد.»

«بهزاد حسینی» یکی از دانشآموزان کلاسی است که آتش گرفته بود. او در مورد روز حادثه به «اعتماد» می‌گوید: «تازه زنگ کلاس به صدا درآمده بود و منتظر معلم بودیم. سقف کلاس چوبی بود، همین باعث شد تا آتش شعله‌ور شود. کل کلاس را آتش گرفت. من و تمام بچه‌ها از شدت ترس فریاد می‌کشیدیم. امیدزاده، معلم کلاس پنجم ابتدایی مدرسه ما بود. با شنیدن صدای بچه‌ها خود را به کلاس ما رساند و جان همه ما

را نجات داد. اگر فداکاری او نبود هیچ کدام از ما زنده نبودیم. او وقتی همه دانش‌آموزان را نجات داد، به حیاط مدرسه رفت تا چوبی بیاورد و بخاری نفتی را از کلاس بیرون ببرد، اما موفق نشد. ناگهان در کلاس بسته شد و او در آنجا گیر افتاد. وقتی بیرون آمد کار از کار گذشته بود و بیشتر جان‌ش سوخته بود.»

«رضا حق‌شنو» یکی دیگر از دانش‌آموزان است. او نیز در این باره به «اعتماد» می‌گوید: «روز وحشتناکی بود. هنوز نتوانستم فراموش کنم. امیدزاده و یکی از آن دانش‌آموزان در داخل کلاس ماندند. البته امیدزاده او را نجات داده بود، ولی چون کیف و کتابش در کلاس جامانده بود به داخل کلاس برگشت و گیر افتاد. این دانش‌آموز هم 20 درصد دچار سوختگی شد.»

ماجرای آتشسوزی مدرسه شفت گیلان چه بود؟ 18 بهمن 1376 ساعت 11 صبح بر اثر وزش باد شدید و توفانی بودن هوا، بخاری کلاس دوم آتش گرفت و منجر به آتشسوزی کلاس شد و به دلیل اینکه در کلاس از درون دستگیره نداشت در داخل کلاس گیر افتادند و اما معلمان دیگری که باعث نجات دانش‌آموزان شدند چه کسانی بودند؟

«کاظم صفرزاده»؛ دوشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۹۳ در باران شدید خرم‌آباد و لرستان هنگامی که مشکلی برای یکی از دانش‌آموزان مرکز شبانه‌روزی عشایری امام جعفر صادق منطقه ویسیان به وجود می‌آید سعی در رساندن او به بیمارستان مرکز استان می‌کند که در میانه راه در منطقه شوراب، خودروی آنها گرفتار سیلاب می‌شود و هر ۴ سرنشین پس از تن سپردن به امواج خروشان در شبی سرد و تاریک، بر اثر خفگی کشته می‌شوند.

«حمیده دانش»؛ 16 اردیبهشت 1380 وقتی دید یکی از دانش‌آموزان دختر در حال غرق شدن است به داخل آب پرید و با فرورفتن در گل و لای هیچ‌گاه زنده بازنگشت. این دانش‌آموز در منطقه گلشهر مشهد همراه مربیان خود برای اردوی تفریحی به دره آل در اطراف مشهد رفته بودند. دانش‌آموزان در کنار معلمشان ناهار می‌خوردند و در کنار رودخانه مشغول قدم زدن و عکس‌یادگاری گرفتن بودند. هنوز دقایقی از رفتن دانش‌آموزان نگذشته بود که صدای فریادهای دختران نوجوان معلمان را به سمت رودخانه کشاند. یکی از دخترچه‌ها به داخل رودخانه سقوط کرده بود. معلم فداکار به سمت آب پرید. به سختی دختر را از آب بیرون کشیدند، اما معلم فداکار هیچ‌گاه زنده بازنگشت. 15 دقیقه زیر آب ناپدید بود تا 2 مرد پیکر بی‌جان او را در حالی که پاهایش در گل و لای کف رودخانه عمیق فرو رفته بود، پیدا کردند.

«محمودرضا واعظی‌نسب»؛ 26 اردیبهشت 1387 هنگامی که دانش‌آموزان

از طرف مدرسه به اردويي براي بازي فوتبال رفته بودند، اين معلم فداكار با مشاهده افتادن دروازه فوتبال روي يك دانش‌آموز ابتدايي، به سرعت دانش‌آموز را از محل افتادن دروازه دور كرد، اما دروازه آهني بر سر خودش فرود آمد و جانش را از دست داد.

م: ۱۴۰۲ ۱۰ ۱۴۰۲